

Criteria of Takfir from the view point of Shi'a jurisprudence¹

Nasrin Mianji*

Mahdi Farmanian Mahmoud Ahmadi*** Khaled Ghafouri******

(Received on: 2017-07-03; Accepted on: 2019-09-04)

Abstract

During recent years, due to confrontation of Shi'a with Takfiri movements and emphasis on proximity among Islamic Sects, some people holding extremist Takfiri thought aiming at ruining Shi'a have accused this sect of holding Takfiri idea and have put Shi'aphobia in their agenda. One of the most significant reasons behind this accusation is falsely equating the belief in Imamate as a principle of religion with atheism of those who reject this belief. In this survey, applying descriptive-analytical approach and using theoretical and practical lifestyle of the household of the Holy Prophet, criteria of Takfir from the view point of Shi'a is illustrated which include: denying three principles of Unity of God, Prophecy and The Resurrection, necessities and certain rules of religion in special circumstances and absence of obstacles. Illustrating these preliminary concepts, the obtained results is that the Shi'ites believe in the Islam in which those who declare *Shahadatain* (except Nasibis and Ghulat) believe and attributing Takfiri thought to Shi'ites is biases and not scholarly.

Keywords: Takfir, criteria of Takfir, motives of Takfir, conditions of Takfir, Shi'a.

1. This paper is derived from: Nasrin Mianji, Criteria of Takfir from the view point of Shi'a emphasizing the critique of the book *Al-Fekr Al-Takfir end Al-Shi'a*, Haqiqa Omme Ifтира', A doctoral dissertation. Advisor: Mehdi Farmanian, Faculty of Islamic Denominations, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, 2018.

* PhD student, theological denominations, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, (Corresponding Author), bentolhoda@hoda.miu.ac.ir.

** Associate professor, Department of the theological denominations, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, m.farmanian@chmail.ir.

*** Associate professor, Department of Propagation and Relations, Bent Al- Hoda Higher education Complex, Jami'a Al-Mustafa Al-Alamiah, Qom, Iran, bentolhoda@hoda.miu.ac.ir.

**** Assistant professor, Department of Jurisprudence, Bent Al- Hoda Higher education Complex, Jami'a Al-Mustafa Al-Alamiah, Qom, Iran, fegh@hoda.miu.ac.ir.

ضوابط تکفیر از دیدگاه فقه شیعه^۱

نسرین میانجی *

مهدی فرمانیان ** محمود احمدی *** خالد غفوری ****

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۳]

چکیده

در سال‌های اخیر، به علت مقابله شیعه با جریان‌های تکفیری و تأکید بر تقریب و وحدت امت اسلامی، عده‌ای با تفکر افراطی تکفیری، برای تخریب شیعه، این مذهب را به تفکر تکفیری متهم کرده، و راهبرد شیعه‌هراسی را در دستور کار خویش قرار داده‌اند. یکی از دلایل مهم این اتهام، توهم تلازم اعتقاد به امامت، به عنوان اصلی از اصول دین، با کفر مخالفان آن است. در این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی، با استفاده از سیره نظری و عملی اهل بیت (ع)، ضوابط تکفیر از دیدگاه شیعه تبیین شده که عبارت‌اند از: انکار سه اصل توحید، نبوت و معاد، ضروریات و احکام قطعی دین با شرایط خاص و فقدان موانع. با تبیین این مقدمات، این نتیجه به دست آمده است که شیعیان به اسلام اظهارکنندگان به شهادتین (به غیر از نواصب و غالیان) اعتقاد دارند و نسبت‌دادن اتهام تفکر تکفیری به شیعه، غیرعالمانه و مغرضانه است.

کلیدواژه‌ها: تکفیر، ضوابط تکفیر، موجبات تکفیر، شرایط تکفیر، شیعه.

۱. مقاله برگرفته از: نسرین میانجی، ضوابط تکفیر از دیدگاه شیعه با تکیه بر نقد کتاب *التکفیر عند الشیعة: حقیقة ام/ افتراء*، رساله دکتری، استاد راهنما: مهدی فرمانیان، دانشکده مذاهب اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، ۱۳۹۷.

* دانشجوی دکتری مذاهب کلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول)
bentolhoda@hoda.miu.ac.ir

** دانشیار گروه مذاهب کلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران
m.farmanian@chmail.ir

*** دانشیار گروه تبلیغ و ارتباطات، مجتمع عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران
bentolhoda@hoda.miu.ac.ir

**** استادیار گروه فقه، مجتمع عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران
fegh@hoda.miu.ac.ir

مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مسلمانان جهان اقبال وافری به تشیع، به عنوان روح و محتوای این حرکت عظیم اجتماعی و سیاسی، نشان دادند و این جنبش اسلامی تأثیر بسیار در بیداری مسلمانان و جهت‌دهی جنبش‌ها و نهضت‌های اسلامی منطقه داشت. از طرف دیگر، شعار وحدت اسلامی از ناحیه رهبران شیعه، برای همزیستی مسالمت‌آمیز پیروان مذاهب اسلامی و مقابله با جریان‌های استثمار و تکفیری با استقبال مسلمانان مواجه شد. لذا عده‌ای که منافع خود را در سایه اختلاف میان مذاهب اسلامی می‌دیدند، برای مقابله با این تأثیرات، شیعه را به تفکر تکفیری متهم کردند و یکی از علل این اتهام را اعتقاد شیعیان به امامت (به عنوان اصلی از اصول دین) دانستند و ادعا کردند که شیعه قائل به کفر غیرمعتقدان به این اصل است (الشافعی، ۱۴۲۷: ۲۵). این نوشتار با روش توصیفی تحلیلی در صدد بیان ضوابط تکفیر از دیدگاه شیعه برای پاسخ به اتهامات مذکور است. درباره ضوابط تکفیر، از دیدگاه اهل سنت، کتب و مقالات متعددی منتشر شده، اما این موضوع در بین نویسندگان شیعه مستقلاً بررسی نشده، بلکه در ضمن کتب و مقالاتی که برای رد اتهام تفکر تکفیری شیعه نگاشته شده به مسئله ضوابط تکفیر هم اشاره کرده‌اند. در نوشتار حاضر، با تبیین موجبات، شرایط، موانع و مظاهر تکفیر، ضوابط تکفیر از دیدگاه شیعه را بررسی می‌کنیم.

۱. مفهوم‌شناسی

یکی از معانی «تکفیر» در علم کلام و فقه، نسبت دادن کفر به مسلمان است؛ یعنی با تکفیر، فردی از دیدگاه خود، به مسلمانی نسبت کفر می‌دهد (عبدالمنعم، بی‌تا: ۴۸۷/۱؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶: ۶۰۲/۲). در تکفیر خود شخص تکفیر شده، به ظاهر، اصول و ارکان اسلام را قبول دارد، ولی دیگران وی را به نقض اسلام یا برخی از اصول آن متهم می‌کنند و این نقض را به او نسبت می‌دهند. در منابع اهل سنت، تکفیر به مطلق و معین تقسیم شده است. در تکفیر مطلق، اسناد تکفیر با توجه به نفس اعتقاد و عمل است و

به افراد کاری ندارد. در واقع، در این قسم افکار و افعالی که نواقض اسلام به حساب می‌آید بررسی می‌شود. اما در تکفیر معین شخص یا گروهی تکفیر می‌شود که عملی را از دیدگاه مسلمانان یا یکی از مذاهب اسلامی، در تضاد با اصول و مبانی اسلام انجام دهد یا عقیده‌ای متضاد با اصول و مبانی اسلام داشته باشد و شروط تکفیر در او موجود و موانع نیز مفقود باشد.

۲. اسباب و موجبات تکفیر

تکفیر از نظر اسلام، به علت احکام و آثار مترتب بر آن، بسیار سنگین و خطرناک است و باید نهایت احتیاط و دقت در درک صحیح از مفهوم «کفر بعد از اسلام» و همین‌طور اثبات شرایط و مفقودبودن موانع و تطبیق آن بر افراد به عمل آید. صدور حکم تکفیر درباره افرادی صادق است که در آنها موجبات، شرایط و مظاهر کفر مطرح شده و در فقه اثبات شده باشد. در ادامه ضوابط، شرایط، موانع و مظاهر کفر را بررسی خواهیم کرد. اسباب کفر عبارت‌اند از:

۲. ۱. انکار اصول دین

انکار اصول دین با شرایط خاص آن، یکی از موجبات تکفیر است. ماهیت و متعلق اصول دین از مسائل علم کلام است اما چون اعتقاد به این اصول، معیاری برای بارشدن آثار و صدور احکامی است در فقه نیز محل بحث واقع شده است.

منظور از «اصول دین»، باورها و آموزه‌هایی است که قوام و بنیان دین به آنها بوده (کاشف‌الغطاء، ۱۴۱۶: ۶۱-۶۵؛ مرعشی، ۱۴۰۹: ۲۹۴/۲؛ سجادی، ۱۳۷۳: ۲۲۳/۱؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۵: ۶۷/۱) و حداقل لازم و عدول‌ناپذیر و اغماض‌ناپذیر در شکل‌گیری هویت آن دین است. این اصول به طور کلی در تمام ادیان آسمانی وجود دارد و جزء ارکان آنها است و می‌توان گفت اعتقاد عقلی به آنها از ضروریات ادیان الهی است و از نظر اکثر علما تقلید در این امور نیز جایز نیست (سبزواری، ۱۳۸۳: ۱۳۱؛ نراقی، ۱۳۶۹: ۴۱؛ آل کاشف‌الغطاء، ۱۴۱۳؛ حسینی تهرانی، ۱۴۲۳: ۱۴۵/۶). هر کس برخی یا همه این اصول را نپذیرد و انکار

کند، با شرایط خاص، از قلمرو آن دین خارج است. قوام، بنیان و حد نصاب دین اسلام نیز سه اصل توحید، نبوت و معاد است که بین تمامی مذاهب اسلامی مشترک است و انکار این اصول موجب خروج از دایره اسلام می‌شود (میرداماد، ۱۳۸۱: ۵۶۹؛ صدرالدین شیرازی، ۱۳۴۴: ۸۰/۱؛ امینی، ۱۴۱۶: ۱۵۲/۳؛ جرجانی، ۱۳۷۵: ۲۱۵؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۶: ۳۱۶/۳؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹: ۶۹/۱؛ میرزای قمی، ۱۴۱۷: ۴۱۴؛ مغنیه، ۱۴۱۴: ۲۶؛ کاشف‌الغطاء، ۱۴۱۳: ۱۲۶).

اما هر مذهبی علاوه بر این اصول، به دلیل اهتمام شدید به برخی از آموزه‌ها، آنها را هم در شمار اصول مذهب خود آورده است. مثلاً معتزله اصل منزله بین المنزلتین و امر به معروف و نهی از منکر را جزء اصول خود قرار داده‌اند (فخرالدین رازی، ۱۴۱۳: ۷) و شیعه اصل امامت را از اصول مذهب خود می‌داند. اساساً اعتقاد به امامت با ویژگی‌های خاص آن، موجب ظهور و هویت‌بخش شیعه است. شیعیان به دلایل عقلی و نقلی متقن، امامت را موجب اکمال، حفظ، دوام و استمرار دین اسلام، و در نتیجه از ضروریات اعتقادی مذهب خود می‌دانند (موسوی خمینی، ۱۳۷۶: ۳۲۰/۳). از دیدگاه فقهی نیز اکثر فقهای شیعه حد نصاب اسلام را اظهار شهادتین و اعتقاد به معاد دانسته‌اند و منکران این سه اصل را کافر فقهی می‌دانند و اعتقاد به امامت و ولایت را از اصول مذهب شیعه برمی‌شمردند و انکار آن را موجب خروج از ایمان به معنای خاص و کفر کلامی می‌دانند^۱ (همان: ۳۱۶/۳-۳۲۳؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹: ۶۹/۱؛ میرزای قمی، ۱۴۱۷: ۴۱۴؛ موسوی خویی، ۱۴۱۸: ۲۳۳/۴). علمایی که امامت را از اصول مذهب شیعه می‌دانند برای اثبات دیدگاهشان دلایلی اقامه کرده‌اند که مهم‌ترین آنها روایات، سیره ائمه (ع) و فتاوی فقها در ابواب مختلف فقه، مانند طهارت، صید و ذبیحه، نکاح، سوق مسلمانان و ارث است که اجمالاً بررسی خواهیم کرد.

الف. مستندات روایی علما

در لسان اکثر روایات اهل بیت (ع)، حد نصاب اسلام، شهادتین ذکر شده است (الکلینی، ۱۴۰۷: ۲۴/۲)؛ به برخی از آنها، که جزء روایات معتبر است، اشاره می‌کنیم. «امام صادق (ع) در جواب فردی که از فرق بین اسلام و ایمان پرسید، پاسخ دادند: اسلام

همین امر ظاهری است که عامه مردم بدان پای‌بندند. یعنی شهادت بر یگانگی و بی‌شریک‌بودن خدا، رسالت پیامبر اسلام و به‌پاداشتن نماز و پرداخت زکات و روزه‌گرفتن ماه رمضان و حج کعبه به جای آوردن. این اسلام است و ایمان اعتقاد به این امور به همراه پذیرش این امر (یعنی ولایت) است. هر که بدین امور اعتراف کند ولی به این امر (ولایت) آگاه نباشد، مسلمان گمراه است»^۲ (همان). همچنین، امام رضا (ع) نیز در نامه‌ای به مأمون عباسی نوشتند: «اسلام خالص، شهادت بر یگانگی خدا است»^۳ (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸: ۱۲۲/۲؛ ابن‌اشعث، بی‌تا: ۷۷؛ نوری، ۱۴۰۸: ۴۴۶/۱). پیامبر اسلام (ص) اصل و فرع دین را چنین تبیین می‌کند: «برای هر دینی اصل و ستون، و فرع و سازه‌ای است. اصل دین اسلام شهادت بر یگانگی خدا است و شاخه و ساختمان آن محبت شما اهل بیت است در آنچه موافق حق است و حق بدان فرا می‌خواند»^۴ (مجلسی، ۱۴۱۳: ۲۴۷/۲۴).

حضرت علی (ع) از پیامبر (ص) نقل کرده‌اند که: «خدا اسلام را نوعی آراستگی قرار داد و شهادت بر یگانگی خویش را موجب حفظ جان گردانید. پس هر کس به سمت قبله ما نماز گزارد و شهادتین را بگوید و از گوشت ذبح‌شده ما بخورد، پس همانا مسلمان است و هر حق و وظیفه‌ای که برای ما است، برای او نیز هست»^۵ (جعفریات، بی‌تا: ۷۸؛ نوری، ۱۴۰۸: ۱۲۵/۱۱).

در روایات فوق حد نصاب اسلام صراحتاً تبیین و مرز بین اسلام و کفر مشخص شده است که اظهار شهادتین است و اعتقاد به امر ولایت و امامت مربوط به مراتب بعدی اسلام و ایمان است. لذا بر اساس این روایات، شیعیان به تبعیت از ائمه (ع) اظهارکنندگان شهادتین را مسلمان و برادران دینی خود می‌دانند.

ب. سیره ائمه اطهار (ع)

اگر در تحقق ماهیت اسلام، غیر از سه اصل توحید، نبوت و معاد، اصول دیگری نقش داشته باشد باید غیرمعتقدان به آنها خارج از دایره اسلام باشند؛ در حالی که بررسی سیره ائمه (ع) نشانگر آن است که ائمه (ع)، مخالفان و منکران امامتشان را کافر

نمی‌دانستند و با آنها همچون مسلمان رفتار می‌کردند. بنا بر گزارش‌های تاریخی، حضرت علی (ع) در نمازهای جمعه و جماعات زمان خلفا شرکت می‌کرد (ابن شهر آشوب، بی‌تا: ۲۳۶/۱) و هیچ دلیل تاریخی یا روایی که حاکی از به‌جا آوردن قضای نمازهای مکرری باشد که پشت سر آنها خوانده بود، در دست نیست.

سیره سایر ائمه (ع) و اصحابشان نیز این‌گونه بوده که با مسلمانان غیر شیعه مخالط بودند و با هم، هم‌غذا و هم‌مجلس می‌شدند و رفتارهای این‌چنینی از سر تقیه نیز نبوده است. چون هر کلامی که از متکلم صادر می‌شود برای بیان واقعیت است و تقیه خلاف اصل است و نیاز به قرینه دارد. نجفی و موسوی خمینی هم می‌گویند قطع داریم که تعاملات این‌چنینی تقیه نبوده است؛ زیرا تقیه محدود و مربوط به اوضاع و احوال خاصی است، در حالی که ائمه (ع) و اصحابشان در هیچ کجا و هیچ گاه از مسلمانان اهل سنت پرهیز نمی‌کردند. حتی در آیام حج که معاشرت با مخالفان در مواقع مختلف، بیش از زمان‌های دیگر است پیروان اهل بیت و شیعیان، با آنها معاشرت داشتند و رفتارشان با مخالفان هیچ تفاوتی با هم‌مذهبان خودشان نداشته است (نجفی، ۱۴۰۴: ۵۶/۶-۵۷؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۶: ۳۳۸/۳).

در جای دیگر امام صادق (ع) خطاب به زید بن شحام می‌فرمایند: «ای زید! با مردم (اهل تسنن) با اخلاق خودشان معاشرت کنید، در مساجدشان نماز بگذارید و مریض‌هایشان را عیادت کنید و در تشیع جنازه‌هایشان حاضر شوید و اگر توانستید امام جماعت یا مؤذن آنها شوید» (مجلسی، ۱۴۱۳: ۳۸۳/۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴۳۰/۸). بنابراین، سیره عملی اهل بیت (ع) و اصحابشان نیز بیانگر اسلام معتقدان به سه اصل توحید، نبوت و معاد است و برخلاف ادعای کسانی که شیعه را به دلیل تبعیت از ائمه (ع)، تکفیری می‌دانند، نه تنها محبت و اطاعت از امامان معصوم (ع) موجب تفکر تکفیری و اختلاف بین مسلمانان نیست، بلکه به دلیل گستره وسیع بینش آنها در اعتقاد به اسلام مظهرین به شهادتین و به دلیل آیه مودت و حدیث صحیح ثقلین، از عوامل مهم وحدت بین مسلمانان است و سیره نظری و عملی آن ذوات مطهر، گواه بر این مدعا است.

دقیقاً به همین دلیل مخالفان وحدت اسلامی در معرفی شیعه به عنوان مذهب تکفیری و شیعه‌هراسی می‌کوشند، در حالی که با توجه به ادله مطرح‌شده این اتهام^۶ غیرعالمانه، غیرمنصفانه، غیرواقعی و مغرضانه است.

ج. فتاویٰ فقها در ابواب مختلف فقه (طهارت، ذبیحه و سوق مسلمانان)

بسیاری از فقهای شیعه، با استفاده از روایات و سیره ائمه (ع)، به طهارت سایر فرق مسلمانان، غیر از نواصب، غلات، خوارج و مجسمه، حکم کرده‌اند (انصاری، ۱۴۱۵: ۱۱۷/۵؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۲۹۷/۳؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۶: ۴۳۰/۳). همین‌طور اسنار^۷ مسلم را به دلیل اسلامشان مطهر می‌داند و معتقدند پیامبر (ص)، حضرت علی (ع) و ائمه (ع) اجتناب از سور مسلمانان نمی‌کردند و این از باب تقیه هم نبوده است (حلی، ۱۴۰۷: ۹۸-۹۳/۱؛ حلی، ۱۴۰۴: ۳۴/۱).

درباره بازار مسلمانان نیز فقها، صرف اطلاق «مسلمین» بر بازار^۸ را مجوز خرید از آن بازار می‌دانند (سبزواری، ۱۴۱۳: ۱۰۲/۲۳؛ آملی، ۱۳۸۰: ۱۲۴/۲؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۳: ۴۷/۳؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۶: ۲۳۱/۳؛ فاضل موحدی لنکرانی، ۱۴۱۹: ۴۰۵؛ سیفی مازندرانی، ۱۴۱۵: ۲۵۹). فقها در صدور این حکم قید «تشیع» یا «مؤمنین» را ذکر نکرده‌اند، در حالی که خرید از بازار غیرمسلمانان را جایز نمی‌دانند. این حکم فقهای شیعه دلیل بر اعتقاد شیعه به اسلام‌داشتن سایر فرق است. همچنین، یکی از شرایطی که فقها در کتاب اطعمه و اشربه، در بحث ذبح حیوان، مطرح کرده‌اند اسلام ذابح است و قید «ایمان» به معنای خاص شیعی‌اش ذکر نشده است (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷: ۶۹/۱۱؛ اصفهانی، ۱۴۲۲: ۶۰۵؛ موسوی خمینی، ۱۴۳۱: ۱۸۶؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۳: ۲۱۸/۲) و حتی برخی شرط نبودن ایمان را قید کرده‌اند (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۶۹/۱۱ و دیگران). فقها در این باره به روایتی از امام صادق (ع)، که از حضرت علی (ع) نقل شده، استشهاد کرده‌اند. در این روایت حضرت می‌فرماید: «ذَبِيحَةُ مَنْ دَانَ بِكَلِمَةِ الْإِسْلَامِ وَ صَامَ وَ صَلَّى لَكُمْ حَلَالٌ إِذَا ذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ تَعَالَى عَلَيْهِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۶۷/۲۴)؛ «ذبیحه شخصی که به شهادتین معتقد باشد و نماز

بخواند و روزه بگیرد برای شما حلال است، اگر به هنگام ذبح نام خدا را ببرد».

همچنین، بیشتر فقهای شیعه با استناد به روایات و سیره ائمه (ع)، ازدواج مؤمن با مخالف، غیر از گروه‌های محکوم به کفر (غلاة و ناصبی‌ها) را جایز، و برخی ازدواج مؤمنه با مخالف را مکروه می‌دانند (حلی، ۱۴۲۰: ۵۲۸/۳؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۸۴/۷؛ حسینی سیستانی، ۱۴۲۲: ۳۸۸؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۱۰: ۱۷۰/۳؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۲۷/۳۰؛ شعرانی، ۱۴۱۹: ۵۲۸/۲؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴: ۱۵۹/۴). شیخ مفید و صدوق و بعضی دیگر ازدواج با مخالف را جایز می‌دانند. چون در زمان ائمه (ع) بسیاری از زنان شیعه، شوهرانشان سنی بودند و محشوربودنشان با یکدیگر در یک شهر، بلکه در یک خاندان محقق بوده است. از حضرت امام محمد باقر (ع) درباره مردم عامه پرسیدند. ایشان فرمودند: «امروز با یکدیگر در صلح هستند. باید مال گم‌شده را به صاحبش رد کرد و امانتشان را باید بازپس داد و خونشان محفوظ است و ازدواج با آنها جایز و ارث میان آنها جاری است. و نهی از ناصبی است» (شعرانی، ۱۴۱۹: ۵۲۸/۲). با توجه به اینکه تمام فقهای شیعه، ناصبی^۹ را کافر می‌دانند (نجفی، ۱۴۰۴: ۵۸/۶) در ترتب احکام اسلام، آنها را استثنا کرده‌اند. بنابراین، فتاوی فقها در امور مذکور دلیل دیگری بر پذیرش اسلام غیرمعتقدان به اصل امامت، از ناحیه شیعه است. بر اساس آیات و روایات، اسلام و ایمان مقول به تشکیک و دارای مراتب است و اولین مرتبه اسلام اظهار شهادتین است. بر اساس فقه شیعه، کسانی که اظهار شهادت کنند و با اهل بیت دشمنی نداشته باشند احکام اسلام بر آنها حمل می‌شود. وجود این حکم از فقهای شیعه دلیل بر تکفیری نبودن تفکر شیعه است.

۲.۲. انکار ضروری دین

یکی دیگر از ضوابط تکفیر، انکار «ضروری دین» با شرایط خاص است. «ضروری دین» به معارف و احکامی اطلاق می‌شود که بعد از ثبوت دین برای همه طبقات مسلمانان و فرق و مذاهب، جزء دین‌بودنشان کاملاً بدیهی و آشکار بوده و محل وفاق همه مسلمانان در همه زمان‌ها باشد. این معنا از «ضروری دین» تا زمانی که منابع و

آشنایی اولی با آن منابع دینی در میان مردم وجود داشته باشد به عنوان ضروری باقی خواهد بود (مجلسی، بی‌تا: ۵۹۹؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۳۲۵/۳؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۳۳۵). فقهای شیعه اتفاق نظر دارند که انکار ضروری دین موجب کفر می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۳۲۵/۳؛ انصاری، ۱۴۱۵: ۱۳۱/۵؛ اردبیلی، ۱۴۰۳: ۱۹۹/۳؛ یزدی، ۱۴۲۸: ۶۴/۱؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۳: ۱۷۹؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۳۳۵). اما در اینکه «آیا انکار ضروری دین عامل مستقلاً برای کفر است یا در صورتی که انکار آن به انکار مبدأ یا معاد یا نبوت برگردد به کفر می‌انجامد؟» دو دیدگاه وجود دارد؛ دیدگاهی به تأثیر استقلالی انکار ضروری دین در استحقاق کفر اعتقاد دارد و انکار ضروری را مانند انکار توحید و نبوت، مستقلاً و بنفسه از اسباب کفر می‌داند (سبزواری، ۱۳۱۴: ۳۷۳/۱). دیدگاه دیگر انکار ضروری را هنگامی که مستلزم تکذیب پیامبر (ص) و انکار رسالت وی باشد باعث کفر و ارتداد می‌داند (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۱۹۹/۳؛ موسوی خویی، ۱۴۱۸: ۱۱۱/۳؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۳: ۱۶۰؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹: ۶۴/۱؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۲۱۷/۱؛ همدانی، ۱۴۱۶: ۲۸۴/۷). با توجه به تعریف ضروری دین و دیدگاه دوم، کفر منکر ضروری بر چند پایه استوار است: نخست آنکه بداند حکمی از ضروریات دین است، سپس با علم به ضروری بودن حکم، آن را انکار کند. دوم آنکه بداند انکار آن حکم مستلزم انکار و تکذیب رسالت پیامبر است. بر این اساس، بر فرض اینکه امامت جزء ضروری دین باشد، اعتقادداشتن به امامت، به دلیل اینکه از روی شناخت و عناد نیست، موجب تحقق کفر نمی‌شود.

۲. ۳. انکار حکم دین با علم به قطعی بودنش

از دیگر ضوابط تکفیر، انکار اموری است که فرد قطع و یقین به جزء دین بودن آن دارد (از اصول اعتقادی یا ضروریات دین یا حکم شرعی)، اما به علل مختلف مانند تکبر، تعصب، استخفاف، عناد، نفاق و بولهوسی، منکر آن می‌شود. همچنین، حکم حلالی را حرام اعلام کردن یا برعکس، حکم حرام را حلال کردن از موجبات کفر است (موسوی خویی، ۱۴۱۸: ۶۱/۲؛ حلی، ۱۴۲۰: ۳۹۵/۵؛ موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷: ۷۵/۴؛ آملی، ۱۳۸۰: ۴۰۸/۱).^{۱۲}

امام صادق (ع) می‌فرماید: «مسلمان را فقط انکار عالمانه حق و حلال کردن حرام خدا و

حرام کردن حلال خدا کافر می‌کند» (الکلینی، ۱۴۰۷: ۲۸/۲). بنابراین، انکار اصول و ضروریات دین و احکام قطعی اسلام، از جمله اسباب کفر است که اگر با شرایط خاص همراه بوده و دارای مظاهر باشد موضوع تکفیر محقق می‌شود.

۳. شرایط تکفیر

تکفیر از نظر اسلام بسیار سخت و سنگین است. بر اساس آیات و روایات، مسلمانان از دادن نسبت تکفیر بدون تحقق شرایط و حجت شرعی به شدت نهی شده‌اند (نساء: ۹۴). در برخی جوامع روایی شیعه بابی تحت عنوان «لعن من لا يستحق اللعن و تکفیر من لا يستحق» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۳۶۰) برای پرهیزدادن از تکفیر مسلمانان گشوده شده است. لذا باید نهایت احتیاط و دقت در درک صحیح از مفهوم «کفر بعد از اسلام» آن گونه که مد نظر شارع مقدس است و اثبات شرایط و مفقودبودن موانع و تطبیق آن بر افراد به عمل آید. شرایط تکفیر عبارت‌اند از:

الف. انکار عالمانه و جاحدانه

انکار اصول یا ضروریات دین زمانی کفر محسوب می‌شود که شخص از آگاهی کافی راجع به آنچه در صدد انکار آن است برخوردار باشد و به جزء دین بودنش یقین داشته باشد. در غیر این صورت کفر محقق نمی‌شود. قرآن کریم درباره یهودیان، که رسالت پیامبر (ص) را انکار می‌کردند، می‌فرماید: «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ» (بقره: ۱۴۶). آنها با وجود اینکه تمام ویژگی‌های پیامبر (ص) در کتابشان ذکر شده بود و آن حضرت را مانند فرزندان خویش می‌شناختند رسالتش را انکار کردند. لذا دچار کفر شدند. زمانی که فرد در حالت شک و تردید و شبهه است و هنوز به باور نرسیده یا بعد از باور حاصل شده دچار شبهه شده است، محکوم به کفر نیست (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۴۳۵/۲؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹: ۶/۴ و ۱۴۳/۱-۱۴۴؛ موسوی خویی، ۱۴۱۸: ۵۸/۲-۶۴). پرسش ابوبصیر از امام صادق (ع) درباره کسی که شک در خدا و رسول کند و جواب

آن حضرت نیز، مؤید این مطلب است: «ابو بصیر: یا أبا عبد الله، ما تقول فيمن شك في الله تعالى؟ قال: كافر، يا أبا محمد. قال: فشك في رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) فقال: كافر. ثم التفت إلى زرارة فقال: إنما يكفر إذا جحد» (الكليني، ۱۴۰۷: ۳۹۹/۲). ابوبصیر از امام صادق (ع) درباره کسی که راجع به وجود خدا شک دارد می‌پرسد. حضرت می‌فرماید کافر است. دوباره می‌پرسد: «درباره کسی که در نبوت پیامبر اسلام شک کند چه می‌فرمایید؟». حضرت پاسخ می‌دهند که کافر است. سپس امام رو به زراره می‌کنند و می‌فرمایند: «البتة زمانی که انکار کند کافر است».

همچنین، زراره و محمد بن مسلم از امام صادق (ع) نقل می‌کنند که امام فرمود: «لا يخرج به إلى الكفر إلّا الجحد والاستحلال» (همان: ۲۷/۲)؛ «خارج نمی‌کند انسان را به کفر، مگر انکار و حلال را حرام دانستن»؛ «ولو أن العباد إذا جهلوا وقفوا ولم يجحدوا لم يكفروا» (همان: ۳۸۸/۲)؛ «اگر بندگان جاهل باشند و توقف کنند و انکار نکنند کافر نمی‌شوند». مقتضای روایات، کافر نبودن جاهل و محقق است که درباره وجود خدا یا حقانیت پیامبر اسلام (ص) شک می‌کند و در صدد رفع آن است.

ب. انکار همراه با قصد و اراده

انکار با قصد یعنی فرد از گفته یا عمل خود قصد کفر کرده و بدان معنا ملتزم و معتقد باشد. زیرا چه بسا فرد معنایی غیر از معنای کفرآمیز قصد کرده باشد یا کلامی را به زبان جاری کرده که مستلزم امور کفرآمیزی شده، ولی آنها را قصد نکرده و بدان ملتزم نیست. چنین کسی که معتقد است دیدگاهش حاوی معنای کفر نیست اتهام به کفر و تکفیرش جایز نیست (حلی، ۱۴۱۳: ۵۷۳/۳).

ج. انکار با اختیار و بدون اکراه و تهیه

اکراه یعنی فردی تحت فشار و اجبار شخص دیگری کاری کفرآمیز انجام دهد. اگر تغییر عقیده یا انکار ضروریات دین با اکراه و اجبار دیگران صورت گیرد، کفر محقق نشده و تکفیر فرد منکر جایز نیست. چنان‌که قرآن کریم کسانی را که با اجبار سخنان

کفرآمیز بر زبان برانند از ارتداد و مجازاتش استثنا کرده است (همان)؛ مانند ماجرای عمار بن یاسر که مصداق اکراه است و در قرآن مطرح شده است. خداوند می‌فرماید: «مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»؛ «هر کس پس از ایمان آوردن به خدا کفر ورزد [عذابی سخت خواهد داشت] مگر آن کس که مجبور شده و [لی] قلبش به ایمان اطمینان دارد، ولی هر که سینه‌اش به کفر گشاده گردد خشم خدا بر آنان است و برایشان عذابی بزرگ خواهد بود. پس انکاری که با اجبار یا از باب تقیه باشد منجر به کفر و تکفیر نخواهد شد.

۴. مظاهر تکفیر

اگر فردی آگاهانه، با اختیار و تعمداً، انکار اصول و ضروری دین را مرتکب شود، تا زمانی که اظهار نکرده است، احکام کفر بر او مترتب نمی‌شود. برخی روایات نیز مؤید این مطلب است؛ از جمله روایت «رفع عن أمتی تسعة: الخطأ ... والتفكر في الخلق ما لم ينطق بشقة» (مجلسی، ۱۴۱۳: ۳۰۳/۵)؛ و «إِنَّ اللَّهَ عَفَا لِأَمْتِي عَمَّا وَسَّوَسْتُ أَوْ حَدَّثْتُ بِهِ أَنْفُسَهَا مَا لَمْ تَعْمَلْ بِهِ أَوْ تَتَكَلَّمْ» (همان). بنابراین، کفر در صورت اظهار، موجب ترتب آثار است.

۵. مظاهر کفر

مهم‌ترین مظاهر کفر عبارت‌اند از:

۱. کلام صریح؛ اگر فردی آشکارا، با کلام صریح، خداوند متعال یا فرستاده‌اش را تکذیب کند یا به دین وی اهانت کند کافر محسوب می‌شود؛ مانند اینکه بگوید اسلام دین راستین نیست یا چیزی را که از ضروریات اسلام دانسته شده، مانند نماز، روزه و ... صریحاً انکار کند (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۱۳/۳۱۳).

۲. انجام دادن فعل دال بر کفر؛ اگر کسی یکی از اعمالی را که موجب کفر و خروج از دین می‌شود عالمانه، با اختیار و تعمداً، آشکارا مرتکب شود. مانند:

الف. عبادت غیر خدا، مانند خورشید، بت و سجده بر آنها (همان).

ب. انجام دادن هر کاری که اهانت به اسلام تلقی شود (نجفی، ۱۴۰۴: ۶۰۰/۴۱)، مانند آلوده کردن عمدی قرآن و صفحات آن به نجاسات و زیر پا لگد مال کردن یا سوزاندن و تیرباران کردن قرآن، آلوده کردن ضرایح مقدسه یا کعبه مکرمه (حلی، ۱۴۱۰: ۱۸۹/۲)، و سب مقدسات مانند حضرت پیامبر (ص) (مفید، ۱۴۱۳: ۷۴۳؛ طوسی، ۱۴۰۰: ۷۳۰) و حضرت علی (ع)، زهرا (س) و ائمه اطهار (ع) (همان). از نمونه‌های روشن آن حکم موسوی خمینی درباره سلمان رشدی است. سلمان رشدی با صراحت اسلام را نفی و انکار نکرد، ولی به نحوی مزورانه به ساحت مقدس قرآن کریم، پیامبر اکرم (ص) و همسران و برخی از یاران آن حضرت توهین کرد.^{۱۳}

ج. ادعای باطل: مانند ادعای نبوت، امامت یا تأیید مدعیان (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۴۱/۴۱).
د. انکار با کتابت: مثلاً مقاله‌ای یا کتابی یا فیلم‌نامه‌ای بنویسد و در ضمن آن به دین و مقدساتش توهین کند یا در ضمن آثار مکتوبش منکر ضروری دین شود.
ه. ارتکاب بعضی از گناهان کبیره مانند سحر و جادو یا تعلیم آن، قتل نبی با اعتقاد به نبوت او (همان).

حاصل آنکه، اگر انکار امور سه‌گانه فوق، قلبی باشد و ظهور و بروز نداشته باشد، فقط آثار اخروی بر آن مترتب می‌شود. اما اگر انکار همراه با اظهار صریح و آشکار قولی یا عملی باشد، با شرایط خاص، بر فرد منکر، عنوان «کافر» اطلاق می‌شود و مراجع ذیصلاح، به شرط مفقود بودن موانع و با شرایط خاص، حکم تکفیر وی را صادر می‌کنند.

۶. موانع تکفیر

با توجه به مطالبی که درباره شرایط و مظاهر کفر مطرح شد، این پرسش پیش می‌آید که: آیا با تحقق تمام شرایط و مظاهر بیان شده، حکم تکفیر بر مرتکبان صادر می‌شود؟ از دیدگاه فقه شیعه، به شرطی حاکم شرع می‌تواند حکم تکفیر فرد را صادر کند

که علاوه بر تحقق شرایط کفر و مظاهر آن، موانع نیز مفقود باشد. این موانع چنین است:

۱. جهل؛ ناآگاهی به دلیل نرسیدن احکام و معارف الهی و اقامه نشدن حجت بر فرد از موانع تکفیر است؛ مثلاً فرد صحرانشینی که تازه اسلام آورده و از ضروریات دین اطلاع کافی ندارد؛ یا انکاری که به دلیل شبهه بر اثر سوء برداشت یا ترسیم تصویری غلط از اسلام صورت گرفته است (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷: ۴/۴۷).

۲. خطا، سهو و نسیان؛ عمل یا قولی که بدون قصد و اراده یا به علت فراموشی از فرد صادر شود، از دیگر موانع تکفیر است. امام صادق (ع) فرمودند: «وضع عن أمتی الخطأ والنسيان و ما استكروها عليه» (طوسی، ۱۴۰۷: ۲/۱۸۶).

۳. اجبار و اکراه؛ فعل یا قولی که فرد بالاجبار برای حفظ جاننش انجام می‌دهد موجب تکفیر نمی‌شود؛ مانند داستان عمار که بعد از شهادت پدر و مادرش ظاهراً ایمانش را مخفی کرد و آیه نازل شد: «مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيْمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيْمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (نحل: ۱۰۶). این آیه کسانی را که بعد از ایمان به دلیل فشار و اجبار کافر می‌شوند اما در قلبشان همچنان آرامش و ایمان هست از عذاب الهی استثنا می‌کند.

۴. ظاهر نشدن قول یا فعل صریح دال بر کفر؛ تا زمانی که انکار به صورت عمل و قولی صریح اظهار نشده، تکفیر محقق نمی‌شود. در اظهار قولی، به دلیل اینکه برخی الفاظ مشترک لفظی و دارای معانی مختلف است و همچنین دلالت الفاظ بر معانی در فرهنگ‌های مختلف نیز متفاوت است، باید قول به کاررفته در انکار، از جهت معنا و مفهوم، کاملاً صراحت در موضوع داشته باشد و قصد و انگیزه مخاطب نیز در استعمال آن ثابت شود. در غیر این صورت امکان تکفیر وجود ندارد. لذا اگر کسی کاری را مرتکب شد که از نظر شرعی کفر است ولی فرد از سر ناآگاهی، خطا، اکراه یا اجبار آن را انجام داده است، گرچه آن عمل کفر است اما انجام‌دهنده‌اش کافر نیست و نباید تکفیر شود.

به عبارت دیگر، هر گاه شخص با آگاهی، قصداً و بدون هیچ اجباری سخنی را بر زبان آورد یا عملی را انجام دهد که به نص قرآن و احادیث صحیح نبوی (ص) کفر باشد و باعث اخراج او از اسلام شود، حکم کفر بر او جاری می‌شود و مراجع ذیصلاح حکم تکفیرش را صادر می‌کنند.

نتیجه

با توجه به آنچه گذشت:

۱. بر اساس روایات و سیره عملی اهل بیت (ع) و دیدگاه اکثر فقها، کفر فقهی شامل مسلمانان غیرمعتقد به امامت نیست و آنها داخل در امت اسلامی‌اند و امامت از اصول مذهب شیعه است.

۲. طبق ضوابط، شرایط، موانع و مظاهر مطرح شده برای تکفیر، همه مسلمانان غیر از نواصب و غالیان داخل در اسلام‌اند و آثار فقهی اسلام بر آنها مترتب می‌شود، چراکه اکثر مسلمانان از جایگاه امامت و حوادث بعد از رحلت پیامبر یا بی‌اطلاع بوده و هستند یا حتی گاه خلاف مطلب برایشان اثبات شده است. لذا نه تنها هیچ‌گونه عناد و دشمنی با اهل بیت (ع) ندارند، بلکه بر اساس آیه مودت، محبت اهل بیت (ع) را بر خود واجب می‌دانند. لذا خارج از دایره ضوابط تکفیر از دیدگاه شیعه هستند. بنابراین، نسبت دادن اتهام تفکر تکفیری به مذهب تشیع، غیرعالمانه، بی‌اساس، متعصبانه و مغرضانه است و صرفاً در جهت ایجاد تفرقه و اخلال در اتحاد امت اسلامی است و مهم‌ترین سند آن حمایت همه‌جانبه رهبران جمهوری اسلامی از جنبش‌ها و حرکت‌های اسلامی برادران اهل سنت در فلسطین، بوسنی، لبنان، سوریه و ... است.

پی‌نوشت‌ها

۱. «ایمان» در قرآن و روایات به اعتبار متعلقش به سه معنا مطرح شده است؛ ۱. «ایمان» به معنای عام؛ اعتقاد و باور قلبی به اصول ثلاثه اسلام (توحید، نبوت و معاد)؛ ۲. «ایمان» به معنای خاص، که علاوه بر اصول مذکور اعتقاد به ولایت ائمه اطهار (ع) نیز شرط است؛ ۳. «ایمان» به معنای اخص که علاوه

بر اصول مذکور، اعتقاد به ولایت ائمه نیز شرط است (نک: موسوی خویی، ۱۴۱۸: ۲۳۳/۴). کفر فقهی، کفر در مقابل اسلام است و مربوط به حیطة عملی مکلف است و فاقد آثارى همچون طهارت، ارث، حرمت و ... است. کفر کلامی، کفر در مقابل ایمان است و مربوط به انکار باورها و اعتقادات افراد می شود و در مرتبه بعد از کفر فقهی است. به عبارت دیگر، کفر کلامی و کفر فقهی عموم و خصوص مطلق اند؛ یعنی هر کافر فقهی کافر کلامی نیز هست، اما چه بسا فردی کافر کلامی باشد ولی کافر فقهی نباشد (نک: موسوی خمینی، ۱۳۷۶: ۳۲۳/۳ و ۳۲۷؛ موسوی خویی، ۱۴۱۸: ۲۳۳/۴).

۲. «مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ السَّمْطِ قَالَ سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الْإِسْلَامِ وَالْإِيمَانِ مَا الْفَرْقُ بَيْنَهُمَا فَلَمْ يَجِبْهُ ثُمَّ سَأَلَهُ فَلَمْ يَجِبْهُ ثُمَّ اتَّقَى فِي الطَّرِيقِ وَ قَدْ أَزْفَ (۴) مِنَ الرَّجُلِ الرَّحِيلَ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) كَأَنَّهُ قَدْ أَزْفَ مِنْكَ رَحِيلٌ فَقَالَ نَعَمْ فَقَالَ فَأَلْقَنِي فِي الْبَيْتِ فَلَقِيَهُ فَسَأَلَهُ عَنِ الْإِسْلَامِ وَالْإِيمَانِ مَا الْفَرْقُ بَيْنَهُمَا فَقَالَ - الْإِسْلَامُ هُوَ الظَّاهِرُ الَّذِي عَلَيْهِ النَّاسُ شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَ إِقَامُ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءُ الزَّكَاةِ وَ حِجُّ الْبَيْتِ وَ صِيَامُ شَهْرِ رَمَضَانَ فَهَذَا الْإِسْلَامُ وَ قَالَ الْإِيمَانُ مَعْرِفَةٌ. راوی اش موثق و روایت صحیح است (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۴/۲).

۳. «حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عَبْدِوَسِ النَّيْسَابُورِيِّ الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بَيْسَابُورَ فِي شَعْبَانَ سَنَةِ اثْنَتَيْنِ وَ خَمْسِينَ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ قُتَيْبَةَ النَّيْسَابُورِيِّ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ قَالَ: سَأَلَ الْأَمَامُونَ عَلَى بْنِ مُوسَى الرُّضَا (ع) أَنْ يَكْتُبَ لَهُ مَحْضَ الْإِسْلَامِ عَلَى سَبِيلِ الْإِيْجَازِ وَالْإِخْتِصَارِ فَكَتَبَ (ع) لَهُ أَنْ مَحْضَ الْإِسْلَامِ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ». روایت صحیح است و هر سه راوی از امامیه و ثقّه اند (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱۲۲/۲).

۴. «إِنَّ لِكُلِّ دِينٍ أَصْلًا وَ دَعَامَةً وَ فَرْعًا وَ بُنْيَانًا وَ إِنَّ أَصْلَ الدِّينِ وَ دِعَامَتَهُ قَوْلُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ إِنَّ فَرْعَهُ وَ بُنْيَانَهُ مَحَبَّتُكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ فِيمَا وَافَقَ الْحَقُّ وَ دَعَا إِلَيْهِ».

۵. «أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِي (ع) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ الْإِسْلَامَ زِينَةً وَ جَعَلَ كَلِمَةَ الْإِخْلَاصِ حَصَنًا لِلدِّمَاءِ فَمَنْ اسْتَقْبَلَ قَبْلَتَنَا وَ شَهِدَ شَهَادَتَنَا وَ أَكَلَ ذَبِيحَتَنَا فَهُوَ الْمُسْلِمُ لَهُ مَا لَنَا وَ عَلَيْهِ مَا عَلَيْنَا؛ این روایت نیز مؤید روایات قبلی است.

۶. در سالهای اخیر افرادی مثل محمد عبدالمنعم البری در کتاب *الجدور اليهودية للشيعة في كتاب علل الشرايع للصادق* و عبدالرحمان دمشقی در کتاب *الفكر التكفيرى عند الشيعة: حقيقة ام افتراء؟ اتهام تفكر تكفيرى شيعة را مطرح کرده اند*.

۷. باقی مانده غذای مؤمنان (اسعدی، ۱۴۰۷: ۱۶۲).

۸. اطلاق «مسلم» بر کسانی که به حد نصاب اسلام اعتقاد دارند.

۹. کسانی که با علم به جایگاه اهل بیت (ع) به دشمنی با آنان اظهار می کنند (طبرسی، ۱۳۸۱: ۶۵/۲)؛ «ناصبی» از ماده (ن ص ب) به معنای برپاکردن جنگ، دشمنی و آشکار ساختن دشمنی است

(ابن‌منظور، بی‌تا: ۷۶۲/۱) و در اصطلاح کسی است که با حضرت علی (ع) و اهل بیت (ع) دشمنی بورزد یا بغض و کینه آنها را در دل داشته باشد (طریحی، ۱۶۱۶: ۱۷۳/۲؛ حسینی زبیدی واسطی، ۱۴۱۴: ۲۳۶/۲).

۱۰. «ان إنکار أى حکم من الأحکام الثابتة فى الشریعة المقدسة مع العلم به يستلزمه تکذیب النبى (ص) و إنکار رسالته سواء كان الحکم ضروريا أم لم یکن و لا ریب انه یوجب الکفر والارتداد».

۱۱. «و کلّ من اعتقد حلّ شیء أجمع على تحریمه من غیر شبهة، فهو مرتد».

۱۲. قال الشیخ الآملی: «مما ذکرنا یتظهر کفر من أنکر شیئاً ممّا قطع بثبوتہ من الدین و لو لم یکن ضرورياً، بل لم یقم الإجماع علیه أيضاً؛ لکون منکره قاطعاً بکونه من الدین فیرجع إنکاره إلى إنکار الدین، كما یشهد به جملة من الأخبار».

۱۳. متن حکم موسوی خمینی چنین است:

انا الله و انا اليه راجعون

به اطلاع مسلمانان غیور سراسر جهان می‌رسانم مؤلف کتاب آیات شیطانی که علیه اسلام و پیامبر و قرآن تنظیم و چاپ و منتشر شده است، همچنین ناشرین مطلع از محتوای آن محکوم به اعدام می‌باشند. از مسلمانان غیور می‌خواهم تا در هر نقطه که آنان را یافتند سریعاً آنها را اعدام نمایند تا دیگر کسی جرئت نکند به مقدسات مسلمین توهین نماید و هر کس در این راه کشته شود شهید است. ان‌شاءالله.

ضمناً اگر کسی دسترسی به مؤلف کتاب دارد ولی خود قدرت اعدام آن [کذا] را ندارد، او را به مردم معرفی نماید تا به جزای اعمالش برسد.

روح‌الله الموسوی الخمینی

۱۳۶۷/۱۱/۲۵؛ ۱۲ فوریه ۱۹۸۹

(<https://www.jamran.news>)

منابع

قرآن کریم.

- آشتیانی، سید جلال‌الدین (۱۳۸۱). شرح بر زاد المسافر، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم.
- آملی جوادی، عبدالله (۱۳۸۹). شریعت در آینه معرفت، قم: اسراء، چاپ پنجم.
- آملی، محمدتقی (۱۳۸۰). مصباح الهادی، تهران، ناشر: مؤلف.
- آملی، میرزا محمدتقی (۱۳۸۰). مصباح الهادی فی شرح العروة الوثقی، تهران: مؤلف، ج ۳.
- ابن اشعث، محمد بن محمد (بی‌تا). الجعفریات، تهران: مکتبه النینوی الحدیثه.
- ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۷۸). عیون أخبار الرضا (ع)، تهران: نشر جهان، چاپ اول.
- ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه، قم: انتشارات اسلامی.
- ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی (۱۴۱۸). الهدایة فی الأصول والفروع: هادیه المتعلمین، مصحح: گروه پژوهش مؤسسه امام هادی (ع)، قم: مؤسسه امام هادی (ع).
- ابن شهر آشوب، رشید الدین محمد بن علی (بی‌تا). مناقب آل ابی طالب، قم: علامه، ج ۳.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (بی‌تا). لسان العرب، بیروت: دار صادر، ج ۴.
- اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳). مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان، مصحح: آقامجتبی عراقی، ج ۳ و ۱۳.
- اصفهانی، سید ابوالحسن (۱۴۲۲). وسیلة النجاة، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امینی، عبدالحسین (۱۴۱۶). الغدير، قم: مرکز الغدير، ج ۳.
- انصاری دزفولی، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵). الطهارة، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ج ۵.
- جرجانی، سید ضیاء (۱۳۷۵). رسائل فارسی جرجانی، تحقیق: معصومه نورمحمدی، تهران: میراث مکتوب.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). تفصیل وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ج ۱، ۸ و ۲۴.
- حسینی تهرانی، سید محمدحسین (۱۴۲۳). معاد، مشهد: نور ملکوت قرآن.
- حسینی زبیدی و دیگران (۱۴۱۴). تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار الفکر.
- حسینی سیستانی، سید علی (۱۴۲۲). المسائل الممتخبة، قم: دفتر آیت‌الله سیستانی.

حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۰). *إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان*، مصحح: فارس حسون، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲.

حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳). *نهاية الأحكام في معرفة الأحكام*، قم: مؤسسة آل البيت، ج ۳.

حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۹). *نهاية الأحكام في معرفة الأحكام*، قم: مؤسسة آل البيت، ج ۱.

حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰). *تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية*، مصحح: ابراهیم بهادری، قم: مؤسسة الامام الصادق (ع).

حلی، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۷). *المعتبر في شرح المختصر*، مصحح: محمدعلی حیدری و دیگران، قم: سیدالشهداء، ج ۱.

حلی، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۱۴). *المسلك في أصول الدين والرسالة الماتعية*، تحقیق: رضا استادی، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.

حلی، مقداًد بن عبدالله سیوری (۱۴۰۴). *التنقيح الرائع لمختصر الشرائع*، قم: انتشارات آیت‌الله مرعشی نجفی.

سبزواری، سید عبد الأعلى (۱۴۱۳). *مَهْدَبُ الأحكام في بيان الحلال والحرام*، قم: المنار، ج ۱.

سبزواری، هادی بن مهدی (۱۳۸۳). *اسرار الحكم*، قم: مطبوعات دینی.

سجادی، سید جعفر (۱۳۷۳). *فرهنگ معارف اسلامی*، تهران: دانشگاه تهران، ج ۱.

سعدی، ابوحیب (۱۴۰۸). *القاموس الفقهي: لغة و اصطلاح*، دمشق: دار الفكر، الطبعة الثانية.

سیفی مازندرانی، علی اکبر (۱۴۱۵). *دليل التحرير الوسيلة في الذبح والذباحة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

شافعی، عبد الملك عبد الرحمن (۱۴۲۷). *الفكر التكفيري عند الشيعة: حقيقة ام افتراء؟* مصر: اسماعيلية، مكتبة البخاري.

شعرانی، ابوالحسن (۱۴۱۹). *تبصرة المتعلمين في أحكام الدين*، تهران: منشورات الاسلاميه، ج ۲.

صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۴۴). *شرح أصول الكافي*، تصحیح: محمد خواجوی، تحقیق:

علی عابدی شاهرودی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ج ۴.

طباطبایی حکیم، سید محسن (۱۴۱۰). *منهاج الصالحين*، تعلیقات: سید محمد باقر صدر، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ج ۳.

طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۰۹). *العروة الوثقى*، بیروت: الأعلمی للمطبوعات، ج ۱.

طبرسی، احمد بن علی (۱۳۸۱). *الاحتجاج*، ترجمه: جعفری، قم: اسلامیة.

طریحی، فخرالدین (۱۶۱۶). *مجمع البحرين*، تهران: مرتضوی، چاپ سوم.

طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۴۰۰). *النهاية في مجرد الفقه والفتاوى*، مصحح: عباس قوچانی، علی آخوندی، بیروت: دار الكتاب العربی، ج ۴۱.

طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷). *الخلاف*، قم: انتشارات اسلامی.

عبدالمعظم، محمود عبد الرحمن (بی تا). *معجم المصطلحات والألفاظ الفقهية*، مصر: دار الفضيلة.

فاضل موحّدی لنکرانی، محمد (۱۴۱۹). *تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة: المظهرات*، تهران: مؤسسه عروج.

فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶). *كشف اللثام والإبهام عن قواعد الأحكام*، مصحح: گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی، قم: انتشارات اسلامی، ج ۲ و ۷.

فخر الدین رازی، محمد بن عمر (۱۴۱۳). *اعتقادات فرق المسلمين والمشركين*، قاهره: مكتبة مدبولی.

كاشف الغطاء، محمد حسين (۱۴۱۶). *أصل الشيعة وأصولها*، بیروت: مؤسسة الأعلمی، الطبعة الرابعة.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی*، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران: دار الكتب الإسلامية، ج ۲ و ۴.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). *بحار الأنوار*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ج ۵.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۳). *بحار الأنوار*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ج ۲۴.

مجلسی، محمد باقر (بی تا). *حقّ اليقين*، قم: انتشارات اسلامی.

مرعشی، نور الله (۱۴۰۹). *إحقاق الحق وإزهاق الباطل*، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۵). *آموزش عقاید*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مغنیه، محمد جواد (۱۴۱۴). *الجوامع والفوارق بين السنة والشيعة*، بیروت: مؤسسة عز الدين.

مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری (۱۴۱۳). *المقنعة*، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۳۴). *كتاب النکاح*، قم: مدرسة امام علی بن ابی طالب (ع).

موسوی اردبیلی، سید عبد الكريم (۱۴۲۷). *فقه الحدود والتعزيرات*، قم: مؤسسة النشر لجامعة المفید.

موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۶). *كتاب الطهارة*، قم: چاپخانه حکمت، ج ۳.

موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۲۱). *كتاب الطهارة*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۳.

موسوی خویی، سید ابو القاسم (۱۴۱۸). *فقه الشيعة: كتاب الطهارة*، قم: مؤسسه آفاق، ج ۲ و ۸.

موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸). *التنقيح في شرح العروة الوثقى*، قم: تحت اشراف لطفی.

موسوی گلپایگانی، سید محمد رضا (۱۴۱۳). *نتائج الأفكار في نجاسة الكفار*، قم: دار القرآن الكريم.

میرداماد، محمد باقر (۱۳۸۱). *مصنفات میر داماد*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

- میرزای قمی، ابو القاسم (بی‌تا). *غنائم الأيام فی مسائل الحلال والحرام*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- میرزای قمی، ابو القاسم بن محمد بن حسن (۱۴۱۷). *غنائم الايام فی مسائل الحلال والحرام*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- نجفی مالکی (کاشف الغطاء)، جعفر بن خضر (۱۴۱۳). *شرح طهارة قواعد الأحكام*، عراق: مؤسسة کاشف الغطاء.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ج ۳، ۶، ۳۰ و ۴۱.
- نراقی، ملا مهدی (۱۳۶۹). *أنیس الموحدين*، تهران: الزهراء.
- نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، مصحح: مؤسسة آل البيت (ع)، قم: مؤسسة آل البيت (ع)، ج ۱۱.
- النوری، میرزا حسین (۱۴۰۸). *مستدرک الوسائل*، بیروت: مؤسسة آل البيت (ع)، ج ۶.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (زیر نظر) (۱۴۲۶). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)*، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
- همدانی نجفی، آقا رضا بن محمد هادی (۱۴۱۶). *مصباح الفقيه*، قم: الجعفرية لإحياء التراث، ج ۷.

References

Holy Quran

Ashtiyani, Seyyed Jalal Al-Din (2002). *Comentary on Zad Al-Mosafer*, Qom, Islamic Propagation Office, Third Printing.

Amoli Javadi, Abd Al-Allah (2010). *Shari'at dar Ayeneye Ma'rifat* (Shari' in the mirror of knowledge), Qom, Asra', Fifth printing.

Amoli, Mohammad Taqi (2001). *Mesbah Alhoda*, Tehran, Publisher: Author.

Amoli, Mirza Mohammad Taqi (2001). *Mesbah Alhoda fi Sharhe al-'Urwat al-Wuthqa*, (The Light of Guidance Trustworthy Handhold, Tehran: author, V.3.

Ebne Ash'ath, Mohammad ibne Mohammad (Bita). *Al-Ja'fariyat*, Tehran.

Ibn Babawayh Qomi (Saduq), Mohammad Ibn 'Ali (1999) '*Uyun Akhbar al-Rida 'Alayh al-Salam* (Springs of Hadiths from al-Rida Peace be upon Him), Tehran: Jahan Publications, First Edition.

Ibn Babawayh Qomi (Saduq), Mohammad Ibn 'Ali (1992). *Man Layahduruhi Al-Faqih*, Qom: Intishrat Islami [in Persain].

Ibn Babawayh Qomi (Saduq), Mohammad Ibn 'Ali (1997). *Al-Hidayat fi AL-Usul wa Al-Furu'*: *Hidayat Al-Muti'alimin* (Guidance in principles and sub-branches: Guidance to learners), Edited by: Research Group at Imam Hadi (peace be upon him) Institute, Qom: Imam Hadi (peace be upon him) Institute.

Ibn Shahrashub Rashid al-Din Muhammad ibn 'Ali. *Manaqib Al Abi Talib 'Alayhim al-Salam* (The Virtues of the Family of Abu Talib Peace be Upon Them). Qom: 'Allamih, V.3.

Ibn Manzur, Muhammad ibn Mukarram. *Lisan al-'Arab* (The Language of Arabs). Beirut: Dar Sadir, V.4.

Ardebili, Ahmad ibn Mohammad (1982). *Majma' Al-Fa'ida wa Al-Burhan fi Sharh Irshad Al-Azhan* [in Arabic], Edited by: Agha Mujtaba 'Araqi, V.3, 13.

Isfahani, Seyyed Abul Hassan (2001). *Wasilatu Al-Nijat* (means of survival), Qum, Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Work

Amini, 'Abdul Husain, (1995). *Alghadir*, Qum: Alghadir Center, V.3.

Ansari Dezfouli, Murtaza Bin Mohammad Amin (1995). *Al-Tahara* (Cleanness), Qum: universal congress for commemorating Sheikh A'zam Ansari, V.5.

- Jorjani, Seyyed Ziya' (1996). Jorjani's Farsi treatises, research: Ma'soumeh Nour Mohammadi, Tehran: Miras-i Maktub Publications. [In Arabic]
- Al-Hurr al-'Amili, Muhammad ibn al-Hasan. 1956. *Tafsil Wasa'il al-Shi'a ila Tahsil Masa'il al-Shari'a* (Elaboration of the Means of the Shi'a for Learning the Issues of Sharia). Qum: Mu'assisa Al al-Bayt 'Alayhim al-Salam. [In Arabic], V 1, 8, 24.
- Hussaini Tehrani, Seyyed Mohammad Hussain (2002). Ma'ad, Mashhad: Nour-e Malakout Qur'an.
- Hussaini Zobeidi and others (1993). Taj Al- 'Arous Min Jawahir Al-Qamous [in Arabic], Beirut: Dar Al-Fikr.
- Hussaini Sistani, Seyyed Ali (2001). Al-Masa'il Al-Montakhaba (Chosen Issues), Qum, Ayatollah Sistani's Office.
- Al-Hilli, al-Hasan ibn Yusuf (1989). Irshad Al-Azhan Ila Ahkam Al-Iman (Guiding the minds to rules of faith), Editor: Faris Hassoun, Qom: Islamic Publications Office, V 2.
- Al-Hilli, al-Hasan ibn Yusuf (1992), Nihayat AL-Ahkam Fi Ma'rifat AL-Ahkam (Ultimate Rules in knowing the rules), Qom, Mu'assisa Al al-Bayt 'Alayhim al-Salam. [In Arabic], V3.
- Al-Hilli, al-Hasan ibn Yusuf (1992), Nihayat AL-Ahkam Fi Ma'rifat AL-Ahkam (Ultimate Rules in knowing the rules), Qom, Mu'assisa Al al-Bayt 'Alayhim al-Salam. [In Arabic], V1.
- Al-Hilli, al-Hasan ibn Yusuf (1999). Tahrir Al-Ahkam Al-Shari'a 'Ala Mazhab, Editor: Ibrahim Bahadori, Qom: Mu'assisa al-Imam Al-Sadiq (PBUH).
- AL-Hilli, Najm Al-Din Ja'far Bin Hassan (1986). Al-Mo'tabar Fi Sharh Al-Mokhtasar [in Arabic], Editor: Mohammad 'Ali Heidari and others, Qom, Seyyed Al-Shuhada', V 1.
- AL-Hilli, Najm Al-Din Ja'far Bin Hassan (1993). AL-Maslak Fi Osoul AL-Din Wa Al-Risala Al-Mate'iya, research: Reza Ostadi, Mashhad: Majma' Al-Bohus Al-Islamiya (Center for Islamic Debates).
- AL-Hilli, Miqdad Ibn 'Abdullah Soyouri (1983). AL-Tanqih Al-Rae' Li Mokhtasar AL-Sharae', Qom: Publication of Ayatollah Mar'ashi Najafi.
- Sabzwari, Sayyid 'Abd al-A'la. (1992). *Muhadhdhab al-Ahkam fi Bayan al-Halal wa-l-Haram* (Refined Rulings in Articulation of Halal and Haram). Qom: AL-Minar, V 1.

- Sabzwari, Hadi Bin Mahdi (2004). *Asrar AL-Hikam (Secrets of Wisdom)*, Qom: Religious Press.
- SAjjadi, Seyyed Ja'far (1994). *Farhang-i Ma'arif-i Islami* (Dictionary of Islamic Culture), Tehran, Tehran University, V 1.
- Sa'di, Abu Habib (1987). *AL-Qamous AL-Fiqhi: Logha Wa Istilah* (Dictionary of Jurisprudence: Word and Expression), Damascus: Dar AL-Fikr, Second edition.
- Seifi Mazandarani, 'Ali Akbar (1994). *Dalil AL-Tahrir AL-Wasila fi AL-Zabih wa AL-Zabaha* [in Arabic], Qom: Center for Islamic Publications.
- Shafi'I, Abd Al- Malik Abd Al-Rahman (2006). *AL-Fikr AL-Takfiri Ind Al-Shi'a: Haqiqa um AL-Iftira'* (Takfiri View in Ahi'ies's idea), Egypt: Ismailiya, Maktab AL-Bukhari [in Arabic].
- Sha'rani, Abul Hassan (1998). *Tabsirat AL- Muta'alimin fi Ahkam AL-Din* (Enlightening the learners about rules of religion), Tehran: Islamic Publications, V 2.
- Sadr al-Din Shirazi, Muhammad ibn Ibrahim (1965). *Sharh AL-Usul AL-Kafi* (elaboration of Kafi Principles), Editor: Mohammad Khajawi, research: 'Ali 'Abedi Shahroudi, Tehran: Institute for Cultural Studies and Researches, V 4.
- Tabatabaie Hakim, Seyyed Mohsen (1989). *Minha AL-Salihin, Ta'liqat (Commentaries): Seyyed Mohammad Baqir Sadr, Beirout: Dar AL-Ta'arof Li AL-Matbou'at*, V 3.
- Tabatabaie Yazdi, Seyyed Mohammad Kazim (1988). *AL- 'Urwat al-Wuthqa* (The Trustworthy Handhold). Beirut: Mu'assisat al-A'lami li-l-Matbu'at. [In Arabic], V 1.
- Tabarsi, Ahmad Ibn 'Ali (2002). *AL- Ihtijaj* [in Arabic], Translator: Ja'fari, Qom, Islamiyah .
- Tarihi, Fakhr Al-Din. *Majma' AL-Bahrein*, Tehran, Mortazawi, Third edition
- Tousi, Abu Ja'far Mohammad Ibn Hassan (1979). *AL-Nihaya fi Mojarrad AL-Fiqh wa AL-Fatawa* [in Arabic], Editor: Abbas Qouchani, 'Ali Akhoundi, Beirut, Dar AL-Kitab AL-'Arabi, V 41.
- Tousi, Abu Ja'far Mohammad Ibn Hassan (1986). *AL-Kilaf*, Qom: Islamic Publications.
- 'Abd al-Mun'im, Mahmoud 'Abd Al_Rahman. *Mu'jam AL-Mostalahat wa AL-Alfaz AL-Fiqhiya* (Dictionary for Jurisprudential words and expressions), Egypt: Dar AL-Fadilat.

- Fadil Mowahidi Lankarani, Mohammad (1998). *Tafsil Al-Shari'a fi Sharh Tahrir Al-Wasila: AL-Mottaharat* [in Arabic], Tehran: Mu'assisa 'Urouj.
- Fadil Hindi, Mohammad Bin Hassan (1995). *Kashf Al-Litham wa Al-Ibham 'An Qwa'id Al-Ahkam* (uncovering the confusion from Rules), editor: Research group at Islamic Publications Office, Qom: Islamic Publications, V 2, 7.
- Fakhr Al-Din Razi, Mohammad Ibn 'Umar (1992). *I'tiqadat Firqat Al-Muslimin wa Al-Mushrikin* (Beliefs in Muslim Denominations and Infidels), Egypt" Maktaba Madbouli.
- Kashif al-Ghita', Mohammad Hussain (1995). *Asl Al-Shi'a wa Usuliha* (Principles of Shi'a), Beirut, Mu'assisat al-A'lami, Forth Edition.
- Koleini, Mohammad Ibn Ya'qub (1986), Al-Kafi, Editor: 'Ali Akbar Ghaffari, Tehran: Dar Al-Kitab Al-Islamiya, V 2, 4.
- Majlisi, Muhammad Baqir. (1982). *Bihar al-Anwar* Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi, V 5.
- Majlisi, Muhammad Baqir. (1992). *Bihar al-Anwar* Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi, V 24.
- Majlisi, Muhammad Baqir, Haq Al-Yaqin, Qom: Islamic Publications
- Mar'ashi, Nourallah (1988) *Ihqaq AL-Haq Wa Izhaq Al-Batil*, Qom, Maktab Ayatollah Al- Mar'ashi Al-Najafi.
- Misbah Yazdi, Moahhad Taqi (1996). *Teaching Beliefs*, Qom, Imam Khomeini Education and Research Center.
- Mughniya, Muhammad Jawad (1993). *Al-Jawami' Wa Al-Fawariq Bain Al-Sunnah wa Al-Shi'a* (Similarities and differences between Sunnies And Shi'ites), Beirut: 'Iz Al-Din Mu'assisat.
- Mufid, Mohammad Ibn Mohammad Ibn Nu'man 'Akbari (1992). *Al-Muqni'a*, Qom, Millennium International Congress of Sheikh Mufid.
- Makarim Shirazi, Naser (2012). *Kitab Al-Nikah* (The Book on marriage), Qom, Imam 'Ali ibn abi Talib School.
- Mousawi Ardebili, Seyyed 'Abd Al-Hakim (2006). *FIqh Al-Hodoud Wa Al-Ta'zirat* [in Arabic], Qom: Mu'assisat Al-Nashr Li Jami'at Al-Mufid.
- Mousawi Khomeini, Seyyed Ruhollah (1997). *Kitab Al-Taharat* (Cleanliness), Qom, Hikmat Printing House, V 3.

- Mousawi Khomeini, Seyyed Ruhollah (1997). *Kitab Al-Taharat* (Cleanliness), Tehran, Institute for Compilation and Publication of the Works of Imam Khomeini. V 3.
- Mousawi Khu'i, Sayyid Abu-l-Qasim, (1997). *Shi'a Jurisprudence: Kitab Al- Tahara* (Cleanliness), Qom Mu'assisat Afaq, V 2, 8.
- Mousawi Khu'i, Sayyid Abu-l-Qasim (1997). *Al-Tanqih fi Sharh al-'Urwat al-Wuthqa* (Refinements in the Elaboration of the Trustworthy Handhold), Qom, Supervised by Lotfi.
- Mosusawi Gulpayigani, Seyyed Mohammad Reza (1992), *Nataij Al-Afkar Fi Nijasad Al-Koffar* [in Arabic], Qom, Dar Al-Qur'an Al-Karim.
- Mirdamad, Muhammad Baqir (2002), *Musannafat Mirdamad* (Works of Mirdamad), Tehran: Assosiation of Cultural works and Figures.
- Mirzaye Qomi, Abulqasim. *Ghanaim Al-Ayyam fi Masail Al-Halal wa Al-Haram*, [in Arabic] Qom, Islamic Propagation Office.
- Mirzaye Qomi, Abulqasim ibn Mohammad ibn Hassan (1996). *Ghanaim Al-Ayyam fi Masail Al-Halal wa Al-Haram*, [in Arabic] Qom, Islamic Propagation Office.
- Najafi MMaliki (Kashif Al-Qita') Ja'far ibn Khezr (1992). *Sharh Taharat Qawa'id Al-Ahkam*, Iraq: Muassissat Kashif Al-Qita'.
- Najafi, Mohammad Hassan (1983). *Jawahir al-Kalam fi Sharh sharai' Al-Islam* (Jewelry of the Word in Elaboration of Islamic Shari'a) Beirout: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi, Vol 3, 6, 30 , 41.
- Naraqi, Molla Mahdi (1990). *Anis Al-Mowahidin*, Tehran: Al-Zahra.
- Nouri, Hussain ibn Mohammad Taqi (1987). *Mustadrak Al-Wasa'il wa Mustanbt Al-Masa'il* [in Arabic], Edittor: Mu'assisat 'Al Al-Beit (PBUT), Qom, Mu'assisat 'Al Al-Beit (PBUT), V 11.
- Al-Nouri, Mirza Hussain (1987). *Mustadrak Al-Wasa'il*, Beirout, Mu'assisat 'Al Al-Beit (PBUT), V 6.
- Hashimi Shahroudi, Seyyed Mahmoud (Supervisor) (2005), *Jurisprudence dictionary according to Ahl-e Beit (PBHT) denomination*, Qom, Institiue for Encyclopedia of Islamic jurisprudence on Ahl-e Beit (PBHT) denomination.
- Hamedani Najafi, Aqa Reza ibn Mohammad Hadi (1995). *Misbah Al-Faqih* (Light of Jurist), Qom, AL-Ja'fariyat li Ihya' Al-Toras, V 7.